

فصلنامه آفاق

سال هفتم، شماره ۲۵ و ۲۶، خزان و زمستان ۱۳۹۰

رهیافت به جامعه مدنی اسلامی و گذر از جامعه مدنی غربی

محمد صادق عادل

چکیده:

جامعه مدنی برخاسته از اندیشه و فرهنگ غربی، آمیخته با ارزشهای لیبرالیسم است، جامعه مدنی با این مفهوم، در وضعیت کنونی، شامل تشکلهای، اصناف، انجمن ها، اتحادیه ها، سندیکاها و احزابی است که بر حفظ منافع افراد و مقاومت در برابر نفوذ دولت ها تاکید دارد. عناصر اصلی و ارزشهای کانونی جامعه مدنی، فردگرایی، قلمرو خصوصی، بازار و اقتصاد آزاد، تکثرگرایی و طبقه اجتماعی است، جامعه مدنی بر ارزشهای فوق به عنوان هسته اصلی ارزشهای انسانی تاکید می ورزد، از سوی دیگر، با خودکامگی، آرمان گرایی، فضیلت خواهی و اخلاق گرایی، ملی گرایی براساس قوم مرکزی، توسعه دولت مدارانه، ساخت فرهنگ های ویژه که بر اصول ثابت و تغییر ناپذیر استوار است، خصومت و دشمنی دارد، محورهای اصلی ارزشهای جامعه مدنی غربی، ناسازگاری بنیادین با ارزشهای اسلامی دارد، از این روی در این نوشتار ضمن نقد اجمالی جامعه مدنی به بنیادهای جامعه مدنی اسلامی پرداخته شده است، به تلقی این قلم، ما نمی توانیم الگوی کامل از جامعه مدنی اسلامی در شکل تاریخی آن ارایه دهیم بلکه با استناد به اصول و بنیادهای



قرآنی می توانیم، جامعه مدنی مورد نظر اسلام را با استفاده از عقلانیت اسلامی، بسازیم.

کلید واژه: جامعه مدنی، مؤلفه ها، دشمنان جامعه مدنی، ساخت ویژه جامعه مدنی اسلامی، بنیادها و اصول جامعه مدنی اسلامی،

تعریف جامعه مدنی (civil society)

خاستگاه و تولد جامعه مدنی در حوزه فرهنگی غرب است، فرایند تحولات جامعه مدنی در غرب بیانگر فراز و نشیب های گوناگون است؛ در نخستین بار جامعه مدنی به عنوان جامعه قانون مدار مطرح شد، سیسرون (۴۳ق م) عقیده داشت که قانون، ساخته فکر بشر نیست بلکه امری ازلی است که ناشی از رب النوع کبیر است، چون امر و نهی او براساس حکمت و مصلحت است، بر دنیا حاکم است، قانون ازلی ناشی از فکر یزدانی است، اما قانون ناشی از فکر بشر نیز هر گاه بدرجه کمال رسد، نیز محترم و پذیرفتنی است. (برسford فاستر، مایکل، ج: ۱، ۱۳۶ - ۱۳۸۳، ۳۶۸)

جامعه مدنی در عهد رنسانس بازوی دولت در برابر کلیسا بود، جان لاک معتقد بود که مسیح هیچ نوع حکومتی را تجویز نکرده و هیچ نوع دولتی را بنا ننهاده بنابراین کلیسا در امور مدنی و سیاسی فاقد قلمرو حقوقی است. عبادت الاهی، درونی و خصوصی است. (مولانا، حمید: ۸۱، ۱۳۸۲)

لاک با این که بر سیر تاریخی سلطه مسیحیت بر جامعه اعتراض داشت، ولی قانون جامعه را، قانون طبیعی می دانست و معتقد بود که قدرت مشروع دنیوی وجود ندارد بلکه همه اقتدارها از خداوند سرچشمه می گیرد. لاک حق طبیعی افراد را ظرفیتی از خلافت خدا دادی می دانست. (همان ۸۳) جامعه مدنی در این دوره، می خواست قلمرو نفوذ کلیسا را از حوزه اجتماعی، به حوزه خصوصی انتقال دهد. زمانی جامعه مدنی، به جامعه خارج از دولت و واسطه میان دولت و مردم مطرح شد. در اخیر جامعه مدنی برای مقاومت در برابر گسترش قلمرو دولت مطرح شده است.



دوتوکویل از اندیشمندان قرن ۱۹ متوجه شد که دولتهای برآمده از دموکراسی بسیار نیرومند تر از آن هستند که پیش بینی می شد، احتمال اینکه دولتهای دموکراسی بتوانند با استفاده از زیرساخت صنعت نوگرایی صدمه بیشتر از دولت های قرون سابق به جامعه بزنند، وجود دارد؛ دوتوکویل خواستار تقلیل نفوذ دولت در جامعه مدنی شد، او افزود، تنها تقسیم قوا و استقلال آنها در دولت کافی نیست تا جامعه مدنی از نفوذ دولت در امان بماند بلکه لازم است دولت بر اساس انتخابات عمومی و مستقیم مردم انتخاب شود، افزون بر این مهمترین راه کنترل دولت توسط سازمان های غیردولتی مانند انجمن ها، اصناف، اتحادیه ها، سندیکاها، بنگاه های ملی و تشکل های داوطلبانه مردم نهاد است (همان ۸۶-۹۲).

جامعه مدنی، خانواده و دولت عقلانی

هگل فیلسوفی است که به اخلاق توجه دارد؛ او جایگاه جامعه مدنی را در حوزه منافع فردی و توجه به علایق و خواسته های شخصی می داند، از نظر هگل کارکرد جامعه مدنی کارکرد مکانیکی است چون فرد در فردیت خود می اندیشد، بلکه انسان وقتی غرق در فردیت خود است موقتا از اخلاق فاصله می گیرد، به عبارت دیگر جامعه مدنی خاستگاه نیازها و خواسته های فردی است، واقعیت فرد و شخصیت اصیل او در سایه دولت عقلانی ظاهر می شود، زیرا فرد از خود خواهی فراتر می رود. خانواده جایگاهی است که انسان به دیگران و علایق دیگران می اندیشد، خانواده گهواره طفل اخلاق است، حوزه تعلق عشق و عواطف به دیگران است، در خانواده انسان از وضعیت جزئی بودن به سوی کلیت حرکت می کند، اما در دولت آرمانی و عقلانی، انسان کاملا از جزئیت و سلایق و علاقه های خود بیرون می آید و به علایق جمعی که روح اخلاقی است، می پیوندد. به نظر هگل تکامل حیات اخلاقی در دولت آرمانی و عقلانی است (واعظی، احمد ۳۱-۳۲، ۱۳۸۱).

جامعه مدنی، پایگاه سرمایه داری و خود خواهی، حیوان سازی و از خود بیگانگی

مارکس جامعه مدنی را پایگاه بورژوازی می داند که تنها در این جامعه است که علایق خودخواهانه و مالکیت شکل می گیرد، سیاست زدایی در بخشی از امور و واگذاری آن به بخش خصوصی، مانند مالکیت، تربیت، و شغل خود اقدام سیاسی است تا دولت سرمایه داری دعاوی عام خود را تثبیت نماید.

سرمایه داری بر مالکیت خصوصی تاکید دارد، چون آن را برخاسته از غریزه ذاتی انسان می پندارد اما مارکس معتقد است که انسان چنین غریزه ندارد بلکه این کار از آثار شوم تربیتی جامعه سرمایه داری است، جامعه مدنی برخاسته از نظام سرمایه داری، زمینه حیوان سازی انسان و دور کردن انسان از خود واقعی انسان است، در جامعه مدنی زمینه و عوامل از خودبیگانگی انسان، فراهم است. زیرا انسان به جای نوع اندیشی و دیگر اندیشی، تنها بخود و علایق خود می اندیشد چنین جامعه بسیار خود خواه است. (Tester, Keith, Civil Society, Rutledge, pp. 15-21)

حقوق و آزادیهای فردی با حمایت و تضمین دولت

سالوادور گینر، در تعریف جامعه مدنی گفته است: جامعه مدنی حوزه ای از حقوق فردی، آزادی ها و انجمن های داوطلبانه ای است که به گونه تاریخی تکامل یافته اند، رقابت سیاسی که با هدف پیگیری منافع، تمایلات و مقاصد شان صورت می گیرد، باید از سوی نهاد دولت مورد حمایت و تضمین قرارگیرد. (گینر، سالوادور: ۳۱۶)

تشکل ها و اصناف غیردولتی با هدف تامین منافع و علایق

تلقی جدید از جامعه مدنی: مجموعه متشکل از افرادی است که با اراده و انتخاب خویش به صورت داوطلبانه، مستقل از دولت، به تشکیل گروه ها و انجمن ها بپردازند این گروه ها در قالب صنف ها، حزب ها، اتحادیه ها، باشگاه ها، انجمن های فرهنگی و علمی، موسسات فرهنگی و علمی، سازمان های غیر دولتی تجلی پیدا می کنند، هدف از تشکیل این گروه ها، پیشبرد منافع، سلايق و علایق افراد است.

(واعظی، احمد: ۳۶-۳۷.)



امروزه، توجه به جامعه مدنی در غرب برای آن است که ارزشهای غائی و اصلی انسان غرب را پاسداری نماید این ارزشهای اخلاقی در اندیشه اومانیسم در محوریت فردگرایی دور می زند که حفظ قلمرو خصوصی و حریم شخصی افراد از مظاهر آن است. جامعه مدنی غربی درعین اینکه حاوی دستاوردهای مثبت برای بهبود زندگی انسان است اما نباید انتظار داشت که پدیده فرهنگی و اجتماعی غرب، بتواند در هر حوزه فرهنگی، سازگار و راهگشا باشد.

فرد گرایی اصل بنیادین در اندیشه اومانیسم است، آیا می توان تصور کرد که ارزش های فرد گرایانه بتواند ارزشهای اجتماعی را پاسداری نماید؟ شاید این پرسش برای ایده ای که اصالت را با جامعه می داند، بی مفهوم باشد اما ارزشهای انسان غربی که در دامن لیبرال دموکراسی زیسته است، معنادار است، ساخت فکری انسان تابع فضای فرهنگی و اجتماعی خود او است، کسی که در فضای ساخت فرهنگی خاص قرار دارد، ارزشهای فرهنگی خود را، مطلوب می داند و لو اینکه بتوان به صورت مدلل برآن ارزشها ایرادی وارد کرد.

مؤلفه ها و عناصر محوری جامعه مدنی؛

سالوادور گینر، ابعاد پنجگانه جامعه مدنی را فردگرایی، قلمرو خصوصی، بازار، تکثرگرایی، طبقه اجتماعی، برشمرده است، به نظر وی نمی توان جامعه مدنی را بدون این عناصر در نظر گرفت، (گینر، سالوادور: ۳۱۶)

بر اساس این دید گاه جامعه مدنی که مبتنی براین عناصر محوری نباشد، نمیتواند، راهگشا و پاسدار مدنیت انسانی باشد.

۱- فردگرایی سنگ بنای جامعه مدنی

فردگرایی مفهومی است که جلوه گاه اراده برتر انسان را نشان می دهد، همه نهاد های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، چیزی جز افراد پراکنده نیستند آنچه اصالت و حقیقت دارد، فرد است، فرد هم جلوه گاه اراده برتر است و هم افراد عناصر برتر حکومت اند. جامعه مدنی، دموکراسی و دولت، برای حمایت و تقویت منافع افراد

ایجاد شده اند، بنابراین معنا ندارد، که نهاد های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، که برای افراد و بدست آنها بوجود آمده اند، برتر و بالاتر از افراد، باشد. فردگرایی هستی شناسانه و عقیدتی، هر دو در جامعه مدنی شکوفا شده است، جامعه مدنی جمع گرا، وجود ندارد. سنگ بنای جامعه مدنی، فردگرایی است.

۲- قلمرو خصوصی، خیر برتر در جامعه مدنی

دو قلمرو عمومی و خصوصی، در جهان وجود دارد، جامعه مدنی، پایگاه حریم خلوت یا قلمرو خصوصی است، یعنی خیر برتر در نظر جامعه مدنی، آزادی فردی است، بنابراین عدم دخالت در زندگی دیگران هسته فضیلت ارتباط اجتماعی است، در اینجاست که حریم خلوت فردی، به عنوان برجسته ترین ویژگی جامعه مدنی سالم و قدرتمند تبدیل می شود،

۳- بازار آزاد سامان بخشی جامعه مدنی

بازار آزاد، ویژگی ساختاری و سامان بخشی جامعه مدنی است، در حالیکه فرد گرایی و قلمرو خصوصی به عنوان ارزشهای اخلاقی جامعه مدنی است. بازار باید از طریق فرایند های جمعی عرضه و تقاضا به ایجاد تعادل بپردازد، بازار باید از طریق فرایند خود جوش و در نهایت مستقل مبادلات قراردادی بیشمار افراد و انجمن ها، به تخصیص منابع، افتخارات، اقتدار، کالا و خدمات می پردازد، بازار فاقد هرگونه نهاد است، بازار شامل اقتصاد، سیاست، فکر، عقیده، فرهنگ است بازار گسترده زاینده فضای رقابتی و صلح آمیز برای زندگی اجتماعی است.

بازار، باید از دخالت دولت آزاد باشد، مقدار سود، و نحوه مبادلات، براساس توافق طرفین و مبتنی بر رقابت است، رقابت، از آن جهت ارزشمند است که نرخ، مقدار سود، و نیز کیفیت کالا و خدمات بازار را، تعیین میکند،



در فضای رقابتی توان افراد برای ارائه خدمات و کالای بهتر، نمایان می شود.

۴- تکثر گرایی

تکثر گرایی دارای دو بعد است؛ اول تکثر گرایی قدرت باید قدرت در سرتاسر جامعه در میان افراد توزیع شود، سپس این افراد، به درجات متفاوت از طریق انجمن ها، تشکل ها، و اتحادیه ها، قدرت خود را اعمال می نمایند؛ یعنی همه نهاد های اجتماعی غیر دولتی درعین استقلال از هم دیگر، دارای قدرت نفوذ و فعالیت است بنابراین دولت حق نفوذ در این نهاد ها را ندارد و باید در حیطه فعالیت های قانونی خود از قدرت هم برخوردار شود.

دوم، تکثرگرایی در بعد فرهنگی، یعنی طیف وسیعی از باورها، مفاهیم و گرایش های آزادانه با یکدیگر زندگی کنند و از جانب طرفداران خود تقویت شوند؛ جامعه مدنی سرزمین تفاوت ها، و قلمرو تمایز ها است حفظ فرهنگ جامعه مدنی نیازمند تساهل و تسامح است مبنای آن ترجیحات تمایلات فردی است که هر کس به صورت دلخواهی می تواند نوع ایده و اندیشه خود را مطرح و برپایه آن زندگی خود را سامان بدهد چند پارگی بر مبنای تمایلات فردی، تنوع و تکثر را مشروعیت میدهد، و تنها با الزامات شهروندی و برابری با قانون است که این مجموعه مختلف و متنکثر را، یکپارچه و متحد می سازد.

۵- طبقه اجتماعی

طبقه اجتماعی از پیامد های نا خواسته شهروندی است، شهروندی یعنی نهادینه سازی سیاسی فرد برتر و خود مختار در لیبرالیسم، لیبرالیسم بر مبنای تخصیص رقابتی کالا، استوار است بنابراین لیبرالیسم بر نابرابری در جامعه تاکید دارد ولو اینکه افراد باید در برابر قانون از حقوق مساوی برخوردار باشند، اما به این معنا نیست که تمام افراد از قابلیت های یکسان برخوردار باشند. از این رو جامعه باید از افراد نابرابر تشکیل شود، این سخن بدین مفهوم نیست، که طبقه در طول زمان



باید ضرورتاً باز تولید شود. (جامعه مدنی و آینده نویسنده: سالوادور گینر: ۳۱۷-۳۱۸) مفهوم طبقه اجتماعی این است که افراد توان و قابلیت های متفاوتی دارند، براین اساس کالا و خدمات متفاوتی را ارائه و تولید می کنند. در فضای رقابتی تولید، افراد پرتوان کالا و خدمت بهتری ارائه می دهند، در نتیجه از منافع بالاتری برخوردار می شوند، این دسته از افراد در طبقه برتر جامعه قرار می گیرد. در حالیکه افراد کم توان نمیتوانند، در رقابت موفق شوند آنان از منافع کمتر برخوردار می شوند، در نتیجه در طبقه پایین جامعه جای میگیرند اما این طبقه بندی اجتماعی، ضرورتاً باز تولید نمیشود، چه بسا که فرزندان طبقه اول جامعه به علت استفاده نکردن از ظرفیت های خود، در طبقه پایین جامعه قرارگیرد، و فرزندان طبقه پایین بر اثر تلاش مداوم و تحصیلات عالی، به طبقه اول جامعه راه پیدا نماید.

تاکنون به مفهوم و عناصر مهم جامعه مدنی غربی آشنا شدیم، مناسب است بدانیم که جامعه مدنی با چه مفاهیم و عناصر اجتماعی بیرون از نظام لیبرال دموکراسی، دشمنی و تعارض دارد، سخن قدیمی و درستی است که هر پدیده از طریق ضد خود شناخته می شود، «تعرف الاشیاء بأضدادها».

دشمنان جامعه مدنی

جان. ا. هال در مقاله با عنوان «در جست و جوی جامعه مدنی، پنج دشمن جامعه مدنی را، مورد بررسی قرار داده است، از دیدگاه وی جامعه مدنی نمی تواند در کنار دشمنان خود زندگی نماید. استبداد، اخلاق و آرمان گرایی، نوعی ملی گرایی، ساخت و الگوی ویژه فرهنگی و توسعه دیر هنگام، از دشمنان جامعه مدنی هستند. (جان. ا. هال: ۱۳۸۲، ۷)

۱- خودکامگی

هال، در تبیین دشمنان جامعه مدنی، نخست سراغ خودکامگی و استبداد می رود، و از قول منتسکیو و دو توکویل، به آثار زیانبار خودکامگی، می پردازد؛ منتسکیو در نامه های پارسی یکی از عناصر تصویری را، از خود کامگی، ترسیم کرده است:



منتسکیو، در ترسیم کیفیات خود-ویرانگر حکومت خودکامه، پارادوکس معروف ارباب-برده هگل را مطرح می‌کند. در قلب این اثر تحلیل زیرکانه، و تکان دهنده‌ی از یک مهمان پارسی، مطرح می‌شود که او نقاط ضعف فرانسه را میدید اما از جایگاه خود به عنوان حاکم حرمسرا، بکلی غافل بود؛ وقتی زنان حرم سرا به ازبک می‌گویند که او تنها و غمگین است، راست می‌گویند، ریکا دوست ازبک تحلیل پیامدهای روان‌شناختی خودکامگی را هوشمندانه بیان می‌کند: همه چیز را داشتن، نخواستن را بدنبال دارد، ریکا به اربابش می‌گوید: زنان فرانسوی به دلیل اینکه آزادی دارند میتوانند جوری سخن بگویند که براحتی احساسات واقعی‌شان را بفهمیم. در یک ماهی که در اینجا هستیم، بیش از سی سالی که در حرمسرا بودیم درباره زنان آموختم. برای ما، همه شخصیتی یکسان دارند، چون مجبورند یکسان باشند. مردم آن طوریکه هستند به نظر نمی‌آیند، بلکه طوری به نظر می‌آیند که مجبورند. این بردگی قلب و ذهن باعث می‌شود، که تنها صدای وحشت به گوش آید، صدای وحشت برخلاف طبیعت هزار آوا، یک زبان دارد.

هال، به سخنان توکویل درباره نظام‌های سیاسی قدیم اشاره می‌کند: نظام قدیم از هرگونه فعالیتی گروهی که کاری جز آنچه نظام می‌خواست انجام بدهند، وحشت داشت، کوچکترین انجمن شهروندان را هر قدر هم که اهداف بی‌خطری داشت، مزاحم می‌شمرد، تنها آن دسته از مجامع همگانی‌ای تحمل می‌شدند، که اعضای آنها دست‌نشانده و تحت نظارت دولت بودند، حتی شرکت‌های بزرگ صنعتی نیز با بی‌مهری مواجه می‌شدند. دولت با دخالت شهروندان خصوصی، در کنترل شرکت‌های خود مخالف بود.

طبیعی است که در نظام خودکامه، جامعه مدنی، جایگاه ندارد، زیرا جامعه مدنی برای دفاع از آزادی افراد جامعه دفاع می‌کند اما نظام خودکامه بر کنترل تمام فعالیت‌های افراد جامعه همّت می‌گمارد. وجود جامعه مدنی در واقع تهدید و قلمرو اعمال اراده خودکامگی است.



۲- فضیلت مدنی و آرمان گرایی

حال در ادامه به تشریح دومین دشمن جامعه مدنی می پردازد. به عقیده وی دومین دشمن جامعه مدنی چهره پنهان تری دارد، و آن احیای سنت فضیلت مدنی است، فضیلت مدنی، همان آرمان گرایی است، جامعه مدنی با آرمان گرایی در تضاد است آرمان گرایی بر امور بنیادین و غیر منعطف تاکید دارد اما جامعه مدنی بر انعطاف و نسبیّت، رو سو درعین اینکه بر جامعه مدنی تاکید می کرد بر اخلاق و فضیلت نیز تاکید داشت: او بیش از فقدان انسجام در تجارت نوین، از بیگانگی انسان از خویشتن می ترسید، او در نامه ای از تئاتر مد شهر اظهار نفرت نمود و گفت این کار به افراد اجازه می دهد که خود را متفاوت از دیگران نشان بدهد اخلاقی که متکی بر ارزشهای ثابت و استوار است در برابر جامعه مدنی است جامعه مدنی روح سودا گرانه و منفعت گرایانه دارد، این روح با فضیلت گرایی که می گوید باید بر ارزشهای ثابت و مانا ثابت قدم ماند در تعارض است. یگانگی اخلاقی در ایده های کارل مارکس نیز وجود داشت او درعین اینکه از جامعه مدنی حرف می زد اما وی باوجود انسان گرایی و اراده گرایی اساسیش، در خدمت توجیه تحمیل استبداد عقیدتی بود. ص ۱۱-۱۲ مغز سخن حال در تلقی تضاد میان فضیلت گرایی و جامعه مدنی، جنبه های منعطف و متحول منافع فردی و بازار آزاد از یک سو، و ثبات اصول و بنیادهای اخلاقی از سوی دیگر است به نظر حال نمی شود به خاطر اخلاق از سود مادی دست برداشت بنابراین هر جا فضیلت خواهی مطرح باشد جامعه مدنی در خطر تهدید قرار می گیرد.

۳- ملی گرایی بر اساس قوم مرکزی

به نظر حال، سومین دشمن جامعه مدنی، نوعی ملی گرایی است، ملی گرایی که به کوچ اجباری جمعیت ها، یکپارچه سازی اجباری، پاکسازی قومی، و نسل کشی که بدنبال ایجاد جامعه کاملاً یک دست می باشد. قوم مرکزی یا ملی گرایی براساس فرهنگ و ارزش های یک قوم، که با فرهنگ ها و ارزش های سایر اقوام، در تضاد و



تعارض باشد، با جامعه مدنی در تضاد است، زیرا ملی‌گرایی، بر مبنای قوم‌مرکزی، به شدت انحصار‌گرا است اما جامعه مدنی، تکثر‌گرا است، نمی‌توان با دو مبنای متضاد و متعارض، سازگاری ایجاد نمود.

۴- توسعه دولت مدارانه

حال، معتقد است که توسعه دیر هنگام نیز می‌تواند به عنوان دشمن جامعه مدنی قد برافرازد، زیرا توسعه دیر هنگام توسعه دولت مدارانه است که به تمرکز شدید قدرت اقتصادی و سیاسی می‌انجامد و معمولاً تحت حمایت ایدئولوژی تمامیت خواهانه رخ می‌نماید. (همان: ۱۲-۱۴) جامعه مدنی در تلاش است که در برابر نفوذ دولت، در قلمرو خصوصی افراد مقاومت نماید اما در کشوری که توسعه اقتصادی توسط دولت انجام می‌شود، دولت افزون بر اهرم سیاست اهرم اقتصاد را نیز کاملاً در اختیار خود قرار می‌دهد، در چنین شرایطی برای جامعه مدنی، زمینه و فعالیت بسیار اندکی باقی می‌ماند که نمی‌تواند تاثیر گذار باشد، بویژه هنگامی که فعالیت‌های اقتصادی دولت رنگ ایدئولوژیک بگیرد، هر نوع مخالفت و انتقاد بر دولت، بشدت دشوار و پرهزینه می‌گردد.

۵- ساخت ویژه فرهنگ

حال اصرار دارد که جامعه مدنی با ساخت هر فرهنگی، سازگار نیست، برخی از فرهنگ‌ها، به علت برخورداری از عناصر خاص در تعارض با جامعه مدنی است، فرهنگی که بر تبعیض افراد در برابر قانون، تاکید دارد مانند فرهنگ «هندوئیسم» دشمن جامعه مدنی است نظام کاست‌ها در ایده هندوئیسم، برخی از طبقات اجتماعی را از حق برابری و مساوات، محروم می‌کند، اگر پایگاه اجتماعی افراد، مبنای حقوق و امتیاز به حساب آید، اعمال محدودیت و اجبار مردم برای پذیرش ظالمانه، نابرابری اجتماعی است. اگرچه جامعه مدنی با نابرابری اجتماعی دشمن نیست در صورتی که نابرابری اجتماعی، برخاسته از تحرک اجتماعی باشد. اما هرگز با نابرابری که مولود نظام اعتقادی باشد، موافق نیست؛ زیرا این نوع نابرابری

با اصل آزادی انسان در انتخاب شغل و تحصیل علم، مخالف است، انسان‌ها بر اثر تلاش و کسب موفقیت در تحصیلات بالا و فراگیری مهارت و کسب شهرت، می‌تواند از پایگاه اجتماعی پایین به پایگاه اجتماعی بالا، ارتقا نماید، اما اگر راه کسب موفقیت و زمینه‌های برابر برای رقابت از افراد گرفته شود، در واقع راه موفقیت و حق انتخاب از افراد گرفته شده است.

حال اصرار دارد که اسلام را نیز دشمن جامعه مدنی اعلام نماید، به نظر او، «اسلام، تصویر ویژه‌ای که از تمدن خود، ارایه می‌دهد، به صورت بنیادین با تمدن غرب در تضاد است، شفافیت منطقی که در اسلام مورد احترام است یعنی پاکدینی موحدانه و پایبندی به کتاب آسمانی - هرگونه آزادی‌های غربی را نفی می‌کند، مسلمانان چنان بر حقانیت باورهای خود اصرار دارند که فرهنگ اسلامی بجای اینکه مشارکت جویانه باشند، قرارداد گرایانه است.» (همان: ۱۴)

اندیشه توحیدی تمدن و جامعه مدنی ویژه

اندیشه تمدنی اسلام و جامعه مدنی آن، با تمدن بشری در تعارض نیست بلکه خود نوع و الگوی ویژه‌ی از تمدن و جامعه مدنی را بنیان نهاده است، تمدن توحیدی، در برابر تمدن الحادی است، لیبرالیسم رویکرد الحادی ندارد، اما با پذیرش سکولاریزم، نگاه هستی‌شناسانه آن، سازگار با ادبیات الحادی است، مبنای حقوقی لیبرالیسم نیز در تعارض با مبانی توحیدی است، بنابراین تمدن لیبرالیستی، بیش از آن که زمینه ساز ایده موحدانه باشد، زمینه ساز ایده الحادگرایانه است، ایده اومانستی، بیشترین قرابت را با الحاد دارد، از این روی، پاکدینی موحدانه اسلام، در تضاد با آزادی‌های غربی است. اسلام درعین اینکه برهم زیستی مسالمت آمیز تاکید دارد، اما نمی‌تواند در برابر اصول چون توحید، تساهل و تسامح را تجویز نماید، هم چنین اسلام درعین اینکه مدارا و رواداری را، توصیه می‌کند، اما هرگز تکثرگرایی هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه را در عرصه شناخت حقیقت، تجویز نمی‌کند، اسلام مخالف تحمیل ایمان از روی اجبار و زور، است. اما حق انتخاب دین و ایمان



را، بر مبنای استدلال و عقلانیت به رسمیت شناخته است، ولی هرگز تغییر دین و عقیده را بر اساس منافع مادی و یا هوس‌های متغیر و نو به نو افراد، معقول نمی‌داند، اسلام آزادی فردی را برای یافتن و جست و جوی راه‌های کسب کمال مادی و معنوی و نیز تحصیل مال و برخورداری از لذات مشروع را به رسمیت شناخته است، اما هرگز اعمال هرگونه غرایز و سلیق بی قید و بند و خودخواهانه افراد را، نه در قلمرو خصوصی و نه در قلمرو اجتماعی، به رسمیت نشناخته است.

هال تصویر غربی از جامعه مدنی را به عنوان یک الگوی جهانی برای دیگران دیکته می‌کند، مطابق تصور خود، اسلام را ناسازگار با جامعه مدنی، اعلام می‌کند. در حالیکه اسلام با الگوی غربی جامعه مدنی، ناسازگار است نه با الگوی جهانی جامعه مدنی. فرهنگ اسلامی در عین اینکه مشارکت جویانه است، اما در اجرای اصول و بنیادهای انسانی، با قاطعیت تمام هیچ اغمازی را نمی‌پذیرد. اسلام در برابر شرایط زندگی افراد، انعطاف لازم را تجویز می‌کند، اما به عنوان یک فرهنگ زنده و پویا، از یک ساخت محکم برخوردار است، بنابراین وضعیت ژل مانند ندارد، که هم چون موم تابع شرایط و زمینه‌های فرهنگ‌های مختلف، باشد، بلکه بدنبال ایجاد تغییر در فکر، عواطف و رفتار انسان بر مبنای توحید، صداقت، نیکوکاری، همکاری و مشارکت در ساخت جامعه فعال، پر نشاط، خلاق، معنویت‌گرا، عدالت‌خواه، اخلاق‌گرا و دانایی‌محور است.

جامعه مدنی اسلامی

اسلام دینی است که برای هدایت حیات فردی و اجتماعی بشر، پیام معنادار، جامع، معقول خرد پسند دارد، بنابراین نسبت به چگونگی و ساخت جامعه مدنی، ساکت و غفلت نورزیده است، آیا می‌توان گفت که الگوی مطلوب جامعه مدنی در اسلام، در حیات تاریخی و اجتماعی مسلمانان متجلی شده است؟ در این صورت بدون هیچ گونه زحمتی کافی است به یک برهه از تاریخ تمدن اسلامی مراجعه و پارادایم جامعه مدنی را ارایه نمایم!



جامعه مدنی؛ حقیقت تاریخی در اسلام

برخی هم چون محمد مورو، معتقد است که جامعه مدنی در اسلام وجود داشته است: «در مفهوم جامعه شناختی اسلامی که مستند به فرهنگ و تمدن اسلامی است، واژه جامعه مدنی، در تمدن اسلامی، واژه جدیدی نیست، در تاریخ اسلامی بجز موارد شاذ و نادر مانند برخی از دوره فاطمیون در مصر، همواره دولت مدنی و جامعه مدنی مطرح بوده است و هیچ قداست فردی، حکومتی و سازمانی برای موسسات دینی مطرح نبوده است سازمان عالمان دینی نیز قداست نداشت بلکه تنها مرجع علمی بوده است. در قرآن از نحوه گفتار قرآنی بر می آید که حتی پیامبر به عنوان فرد مقدس مخاطب قرآن نبوده است هیچ فردی و سازمانی در قرآن مقدس حساب نشده است بلکه تاکید شده است که باید رابطه مردم بر محور حق باشد نه اینکه حق با افراد باشد. بخشی وسیعی از امور اجتماعی حوزه فکر و عقلانیت است. ایمان و کفر در نظام اندیشه اسلامی، امر خصوصی است از قلمرو عمومی که باید محل اجرای قانون عمومی باشد بیرون است. اما آنچه لازم است بدانیم که اهداف جامعه مدنی غربی با اهداف جامعه اسلامی متفاوت است، در جامعه مدنی غربی، هدف اصلی آزادی فردی است که افراد بتواند آزادانه تمایلات شخصی خود را تامین کند مانند آزادی روابط جنسی، آزادی بدست آوردن پول بدون هیچ قید و بندی آزادی سرمایه دار، اما در جامعه اسلامی هدف از جامعه مدنی حفظ مصالح جمعی بدون تجاوز بر حقوق و آزادی های فردی است. (مورو، محمد، ۱۴۲۴: ۱۰۹)

الگوی مطلوب اسلامی جامعه مدنی، ساختنی است نه تاریخی

بدون تردید، می توانیم با مراجعه به تاریخ اسلامی، برخی از قطعات پازل جامعه مدنی اسلامی را پیدا نماییم، اما اینکه الگوی کامل و مطلوب از جامعه مدنی اسلامی را در تاریخ سیاسی و اجتماعی مسلمانان پیدا نماییم ادعای بزرگ و اثبات آن دشوار است، عجیب این است که آقای مورو، دوره حکومت فاطمیون را استثنای نموده است، در حالیکه بخشی مهمی از تمدن و فرهنگ اسلامی در این دوره و با



مدیریت آنان شکل گرفته است، دولت فاطمیون حد اقل در آزادی اندیشه و نظر نسبت به سایر حکومت های اسلامی، وضعیت قابل قبولی داشتند و نتیجه آن شکل گیری «الأزهر» است. این درحالی است که در حکومت های عباسی و اموی، هزاران نفر بخاطر اندیشه مخالف حکومت با وحشیانه ترین شکل ممکن به قتل رسیدند، البته این سخن مورو، قابل تامل است، که قرآن حکومت و نهادهای حاکمیتی را در هاله از قداست نیچاند ه است. هم چنین پذیرفتنی است که حوزه امور اجتماعی و مهندسی جامعه مدنی، حوزه عقلانی و تدبیر است، بنا براین در اسلام یعنی قرآن و سنت و دستورات معصومین راهکارها و بنیاد های جامعه مدنی، مطرح شده است، اما استخراج و تدوین نظام مند و سازمان یافته آن، نیاز به تلاش و فعالیت های پژوهشی دارد، کسانی می توانند به این مهم نایل شوند که در درجه اول تخصص و تسلط بر دانش اسلامی داشته باشند و در درجه دوم، تخصص و تسلط بر دانش علوم اجتماعی و فرهنگ شناسی داشته باشند، تاریخ تمدن اسلامی، برخی از حلقه های جامعه مدنی را، نشان میدهد اما نمی توان با این حلقات گسسته تصویری مطلوب قرآنی از جامعه مدنی اسلامی ارایه داد، وانگهی جامعه امروزی با جامعه سنتی قدیم، فاصله فرهنگی زیادی دارد، بعید است که برای نسل جدید امروز و فردا، بتوان الگوی قناعت بخش از جامعه مدنی اسلامی با توسل به تاریخ، ارایه داد.

بنیادهای جامعه مدنی اسلامی

ما در این نوشته، مدعی ارایه الگوی جامعه مدنی اسلامی نیستیم اما می توانیم به بنیادهای جامعه مدنی اسلامی، با استفاده از دلالت های قرآنی و حدیثی و نیز پاره از سیره اجتماعی مسلمانان، اشاره نماییم.

تعاون و همکاری در امور نیک

بدون تردید اسلام دین زندگی براساس پاکی و ایمان همراه با حفظ کرامت انسانی است، تقویت روحیه همیاری و حمایت گری از هم نوع بویژه حمایت و کمک به برادران و خواهران دینی، به شدت مورد توجه اسلام است، قرآن کریم در این باره



دستور تعاون به خیر و نیکوکاری داده است. مولف تفسیر المیزان، معنای تعاون بر «بر» و «تقوا» را، اجتماع جامعه مسلمین بر ایمان و عمل صالح ناشی از ترس خدا دانسته و آن را صلاح و تقوای اجتماعی، که در مقابل آن تعاون بر گناه- یعنی عمل زشت که موجب عقب افتادگی از زندگی سعادت‌مند است، معرفی نموده است. و تعاون بر "عدوان" را تعدی بر حقوق حقه مردم و سلب امنیت از جان و مال و ناموس، مطرح کرده است. ایشان با استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن، در ذیل آیه شریفه ۲۰۰ آل عمران مفهوم تعاون بر «بر» و «تقوی» را توضیحی بیشتری داده است: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا ... «دستورات قرآن در "اصبروا" و "صابروا" و "رابطوا" و "اتقوا" همه مطلق و بدون قید است، در نتیجه صبر در این آیه، شامل سه گونه صبر است صبر بر سختی‌ها و دشواری‌ها، صبر در اطاعت خدا و صبر بر ترک معصیت. این صبر مربوط به تک تک افراد است، زیرا دنبال آن، صبر به صیغه "مفاعله- صابروا" آمده که موارد کاربرد آن، در جایی است که ماده فعل بین دو طرف تحقق می‌یابد و مصابره عبارت است از اتفاق یک گروه در تحمل دشواری‌ها و سختی‌ها به گونه‌ای که هر فردی صبرخود را پشتوانه صبر دیگری قرار دهد در نتیجه برکاتی که از این صبر جمعی حاصل می‌شود، بیشتر از صبری است که در افراد جامعه به صورت انفرادی، حاصل می‌شود. زیرا نیروی ناشی از صبر جمعی، متمرکز و بهم دیگر می‌پیوندد.

"و رَابِطُوا" مرابطه از نظر معنا اعم از مصابره است، چون مصابره عبارت بود از بهم پیوستن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر دشواری‌ها اما مرابطه عبارت است از بهم پیوستن همه نیروها، هم نیروی مقاومت در برابر دشواری‌ها، و هم نیروهای مربوط به تعامل و همکاری، در جمیع شوون زندگی دینی، چه در حال سختی و چه در حال خوشی. هدف از مرابطه رسیدن جامعه به سعادت حقیقی دنیا و آخرت است. «صبر»، «مصابره» و «مرباطه» تامین‌کننده سعادت دنیا و آخرت است اگر در



سایه: «وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» باشد (طباطبایی، سید محمد حسین، ج ۴، ص: ۱۴۴، ۱۳۷۴)

تعاون در جامعہ اسلامی، باید، شکل سازمان یافته و ساختار موثر، پیدا کند، تعاون اسلامی در مسیر بهبود و اصلاح جامعہ اسلامی است، در صورتی می تواند به صورت نهاد نیرومند و تاثیرگذار تبدیل شود، که با استفاده از این آیه شریفه، از بهم پیوستن افراد صابر، و با انگیزه در فعالیت های جمعی، بر اصل ارتباط سالم بر مبنای تقوا، بتوانند با هم افزایی و همکاری به تاسیس موسسه و یا تشکل های منظم اقدام نمایند تا از طریق ترابط و تعامل موثر، مصدر آثار نیک در جامعہ اسلامی گردند. جامعہ مدنی اسلامی، بدون تشکل های مردم نهاد که براساس انگیزه و علاقه ایمانی، دوست دارند، مسؤولیت دینی شان را، با روشهای مورد علاقه خود، بدون دخالت دولت، ایفا نمایند، رویایی بیش نخواهد بود.

جلوگیری از انحراف زمام داران اسلامی

در ادبیات سیاسی اسلام، مبارزه با زمام دارن منحرف، با تعبیرات گوناگون مطرح شده است، یکی از اصطلاحات به کار رفته در روایات اسلامی، نصیحت زمام داران اسلامی است، در مفهوم نصیحت، خیر خواهی، و دلسوزی نهفته شده است، معنای آن این است که افراد جامعہ اسلامی، براساس عواطف ایمانی، مسؤولیت دارند، که کم ترین انحراف و غفلت زمام داران و سیاستمداران را، نادیده نیاگذارند، بلکه در زود ترین فرصت، به اقدامات آنان واکنش نشان دهند.

«ثَلَاثٌ لَا يُعْمَلُ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ، وَ النَّصِيحَةُ لِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ، وَ الزُّرْمُ لِحَمَاعَتِهِمْ؛» (الكافی ج ۲ باب ما أمر النبي صلى الله عليه وآله بالنصيحة لأئمة المسلمين ص : ۳۳۶) «سه چیز است که دل انسان مومن به گریز از آن رضایت نمی دهد: اخلاص عمل برای خدا، نصیحت و خیر خواهی نسبت به زمام داران مسلمین. و همراهی با جماعت مسلمین».

امام علی (ع) نصیحت خود را توسط مردم یکی از حقوق حکومت بر مردم می داند: «وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلْفَوْا بِلَيْعَتِي وَالنَّصِيحَةَ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ وَالْإِجَابَةَ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَالطَّاعَةَ حِينَ أَمُرُكُمْ» (نهج البلاغه (صبحی صالح)؛ ص ۷۹) «اما حق من بر شما این است که بر پیمان سیاسی تان «بیعت» وفادار باشید، در حضور و غیاب نصیحت و خیر خواهی کنید، و هنگامی که شما را فراخواند م اجابت کنید، و زمانی که دستور دادم اطاعت نمایید».

خیر خواهی و نصیحت نسبت به زمام داران، شامل چند چیز است نخست اینکه روشهای مفید برای مدیریت پیشنهاد شود، دوم نسبت به روشهای نامناسب مدیریت انتقاد شود، سوم جلوگیری از انحرافات زمامدار.

این کارها در فضای آزاد، و امنیت روانی و آزادی بیان ممکن است، از سوی دیگر در شرایط امروزی، اقدام براین مسؤولیت مهم اجتماعی، بدون تشکل های قوی و نیرومند و نیز رسانه های متنوع میسر نیست.

رسالت عمومی مردم در بهبود و اصلاح جامعه اسلامی

مسؤولیت دینی برای عموم وجود دارد، از منظر دین انسان نه تنها مسؤولیت رفتار خود را برعهده دارد، بلکه درقبال رفتار دیگران نیز مسؤولیت دارد، از این جهت ایفای مسؤولیت در قبال دیگران، باید در چارچوب یک گروه منظم و روشمند، صورت بگیرد تا میزان اثر گذاری آن افزایش پیدا نماید، حدیث معروفی از پیامبر اسلام توسط شیعه و سنی نقل شده است: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (جامع الأخبار شعیری/ ۱۱۹)

جامعه اسلامی، باید همواره روبه جلو باشد، هر چیزی که مانع پیشرفت و ترقی جامعه اسلامی باشد، باید براساس احساس مسؤولیت اسلامی، برطرف کرد. چنین مسؤولیت بزرگ بردوش هر فرد مسلمان است، برای انجام چنین مسؤولیت مهم باید در قالب تشکل های صنفی و سندیکا های مختلف، پایش و نظارت مناسب را اعمال نماید. «بنا بر این نظارت عمومی فرد بر فرد و جامعه بر فرد و فرد بر جامعه



از اصول کلی و مسلم اسلامی است اما در اخلاقیات و امور خصوص زندگی یکدیگر هیچکس حق دخالت ندارد بلکه در مسائل سرنوشت ساز ضرورت دارد، که همه به یکدیگر پیوسته و از یکدیگر مراقبت نمایند تا سلامت جامعه دستخوش خطرات نگردد، و بیگانگان یا اجنبی پرستان و استعمار دوستان نتوانند در کانون با سعادت جامعه اسلامی رخنه کنند و خطرانی داشته باشند.» (راغب اصفهانی، حسین بن محمد: ۳۹۸، ۱۳۷۴)

اهتمام به سرنوشت مسلمانان

اهمیت دادن به سرنوشت برادران دینی، برخاسته از این سخن پیامبر است: «مَنْ أُصْبِحَ لَأَ يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.» (الكافی ج ۲ / ۱۶۳ باب الاهتمام بأُمُور المسلمین.)

«کسی که سر از خواب شبان گاهان بردارد اما در اندیشه چاره جویی برای امور مسلمانان نباشد، مسلمان نیست»، تنها مشکلات فردی مسلمان مد نظر نیست بلکه مشکلات اجتماعی مسلمانان، بویژه مشکلات سیاسی، تبعیض و بی عدالتی، فقر و مهمتر از همه تجاوز و اشغال سر زمین های اسلامی، مصداق بارز امور مسلمین است، حال این مشکلات به فعالیت های دسته جمعی، گروهی و سازمان یافته نیاز است. برخی از مسؤولیت های جامعه اسلامی، در محدوده شهر و نقطه خاص جغرافیایی است مانند توجه به همسایگان و هم جواران، اما برخی از مسؤولیت ها، دامنه وسیعی دارد، که باید در سطح جهانی مورد توجه مسلمانان باشد، اما به علت محدودیت فعالیت، و عدم امکانات لازم، مناسب است، توجه و اهتمام به سرنوشت مسلمانان، از جنبه های فرهنگی و سیاسی، دنبال شود، بنابراین لازم است مسلمانان، در هر کشوری که قرار دارند، از طریق ایجاد تشکل های مناسب، واکنش مسئولانه به سرنوشت برادران دینی خود نشان دهند، فعالیت های تبلیغاتی و فرهنگی از طریق رسانه های تصویری، مطبوعاتی و استفاده هوشمندانه و هدفمند از فضای مجازی، می توانند، قدرت قوی و تاثیر گذار در فضای اطلاع رسانی و



تبلیغاتی ایجاد نمایند، بنا براین بستر این نوع فعالیت ها در جامعه ای ممکن است که حکومت های استبدادی نباشد، و افراد حق مالکیت رسانه های مانند تلویزیون را داشته باشند. واقعیت این است که دولت ها، نمی توانند مانند اتحادیه های صنفی چون روزنامه نگاران، خبرنگاران، مدیران رسانه های سمعی و بصری، بازاریان، صنعت گران، و اصناف مختلف، انجمنهای فرهنگی و علمی، گروه ها و موسسه های خیریه مردم نهاد، در افکار عمومی، جهان تاثیر گذار باشند. داستان غم انگیز فلسطین، برای تمام مسلمانان، داستان پر غصه است، تاکنون دولت های کشورهای اسلامی، کاری موثر در این باره انجام نداده اند، برخی از دولت های اسلامی که با جدیت در این قضیه وارد شده است، با خیانت سایر دولت ها مانند دولت سابق مصر و عربستان و کشورهای شیخ نشین، مواجه شده اند، تنها یک گروه توانست با اعتماد به خداوند و اعتقاد به اصل جهاد، اسرائیل را شکست دهد، این گروه که با شرکت داوطلبانه افراد جهادی تشکیل شده است، توانست بر افسانه شکست نا پذیری اسرائیل، مهر بطلان بزند، حزب الله می تواند به عنوان الگوی از یک تشکل جامعه مدنی اسلامی در شرایط فعلی مطرح باشد، کار ویژه این گروه تنها مبارزه مسلحانه با اسرائیل نیست بلکه با شرکت در فعالیت های مختلف اجتماعی، آبادانی، اقتصادی و فرهنگی، توانسته است به گروه پر قدرت، پر نفوذ و محبوب تبدیل شود. در حالیکه حلقه های حسود و وابسته به اسرائیل و رژیم های شاهی و استبدادی منطقه، سعی میکنند افتخار جهادی این گروه را با استفاده از سوژه فتنه طایفه ای، لکه دار نمایند، اما با صبوری، درایت و بصیرت اسلامی توانسته است، موضع مدنی و عقلانی خود را درعین مظلومیت حفظ نماید.

ناتوانی دولت ها در مبارزه با تروریسم

امروز دنیای اسلام با انواع گرفتاری ها مواجه است، بسیاری از این گرفتاری ها ناشی از فقدان زیر ساخت های اجتماعی است. به عنوان مثال دنیای اسلام امروز با پدیده شوم بنام تروریسم، دست و پنجه نرم می کنند، اگر جوامع اسلامی، از تشکل



ها، انجمن‌ها، اتحادیه‌های صنفی، سندیکا‌های کارگری و موسسه‌های خیریه مردمی و مستقل از دولت‌ها برخوردار می‌بودند، هرگز زمینه‌های وحشتناک پدیده تروریسم، در کشورهای اسلامی شکل نمی‌گرفت. جامعه مدنی اسلامی، می‌توانست با فعالیت‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، بستر اجتماعی این پدیده وحشتناک و غیر انسانی را، برطرف نمایند. ما اعتقاد داریم که جامعه مدنی اسلامی، ظرفیت بسیار نیرومند تر از دولت‌ها دارد، دولت مقتدر و عقلانی، همواره توسط جامعه مدنی، به صورت بسیار موثر کنترل، نظارت و اصلاح می‌شود، اما دولت‌ها هر چه قلمرو فعالیت‌شان گسترده‌تر گردد، کارایی آن کاهش پیدا می‌کند.

تمام دولت‌های اسلامی، مدعی مبارزه با تروریسم‌اند، اما امروزه این پدیده شوم، به صورت وحشتناک افزایش پیدا نموده است، حتی شواهد غیرقابل انکاری وجود دارد که برخی کشورهای اسلامی از این اقدامات ضد انسانی حمایت می‌کنند. درحالی‌که اهداف تروریستی عمدتاً مساجد و مراکز دینی و محل کار و کسب مردم مسلمان است. پدیده تروریسم زاینده حکومت‌های خودکامه است که برای حفظ قدرت نامشروع‌شان، از وسیله‌های جنایت‌بار چون تروریسم استفاده می‌کنند. اگر در جوامع اسلامی تشکلهای قدرت‌مند مدنی وجود می‌داشت، قطعاً برای دولت‌های خود اجازه نمیداد که هزینه‌های بزرگی برای پشتیبانی و حمایت از تروریسم، بردوش ملت‌های اسلامی، تحمیل شود همانطوریکه به صورت سازمان‌یافته در عراق، سوریه، پاکستان و افغانستان، تروریسم با هزینه‌های مردم مسلمان، مدیریت می‌شود. اهداف آمریکا و هم‌پیمانان‌شان، با جان و مال خود مسلمانان، پیگیری می‌شود.

کنترل و نظارت عمومی

اسلام دین بیداری و مسؤولیت‌آفرین است. یکی از مهمترین ارکان مسؤولیت‌ایمانی، فریضه حیاتی و استراتژیک «امر به معروف» و «نهی از منکر» است. اهمیت



این فریضه به حدی است که اگر به اقامه آن اقدام نشود، نه تنها حیات معنوی و ایمانی جامعه، مورد تهدید واقع می شود بلکه اختلال در زندگی عادی مردم نیز روی خواهد داد.

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ يَدْْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ " وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران ۱۰۴)

«باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند.»

مولف تفسیر المیزان، در ذیل این آیه شریفه بیان نموده است که اجتماع صالح در سایه علم نافع و عمل شایسته توان حفظ تمدن خود را دارد، این وضعیت در صورتی تداوم پیدا می کند که افراد این جامعه در صورت انحراف از علم و عمل صالح به حال خود رها نشود بلکه تمام افراد این جامعه باید در جهت نجات و بیرون آوردن افراد منحرف تلاش نمایند. از نظر ایشان اقدام برای برپایی فریضه امر به معروف و نهی از منکر، با جمعی از افراد صورت می گیرد: «پس اگر فرض کنیم، امتی هست که روی هم افرادش داعی به سوی خیر و آمر به معروف و ناهی از منکرند، قهراً معنایش این خواهد بود که در این امت افرادی هستند که به این وظیفه قیام می کنند. پس مساله در هر حال قائم به بعضی افراد جامعه است، نه به همه آنها. (طباطبایی، ج ۳، ص: ۵۷۹)

در آیه شریفه به ضرورت و جود جمعی که به خیر فرمان دهد و از بدی ها و شر باز دارد، اشاره شده است. بدون تردید در شرایط امروزی، نمی توان بدون سازمان منظم و آشنا با فنون و مهارت های ارتباطی، دعوت به معروف و نهی از منکر را، عملی نمود، چون این دستور الهی متوجه همه افراد جامعه اسلامی است، فرار از این مسئولیت به بهانه وا گذاری این مسئولیت به دولت، توجیه پذیر نیست، اصل فریضه امر به معروف می تواند مبنای مهم برای تشکل و سازمان ویژه در



جامعه اسلامی باشد که مستقل از دولت ها عمل می کند اما استقلال، جامعه اسلامی در این کار به مفهوم مقابله با دولت نیست بلکه به مفهوم جدی بودن این وظیفه دینی است که چه بسا باید از طریق این فریضه رفتار و سیاست های دولتی را نیز کنترل و نظارت کرد. نظارت و کنترل سیاست ها و اقدامات نا مطلوب دولتی توسط جامعه مدنی اسلامی، در برخی از آموزه های اسلامی برو شنی مطرح شده است:

سلطه نا اهلان کوچ رحمت خدا و بی پشتوانه شدن مردم

پیامبر اسلام(ص) فرمود: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ وَ سَلَّطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ» (تهذيب الأحكام / ج ۹ باب الوصية و وجوبها : ۱۷۲). «همواره مردم در خوبی هستند، تا زمانی که به کارهای خوب فرمان دهند و از کارهای نادرست برحذر دارند بر نیکی ها و تقوی الاهی، همکار و مددکار هم باشند، پس اگر به این کار ها، نپرداختند، برکات از میان آنان رخت بر می بندد بعضی بر بعضی دیگر سلطه پیدا می کنند، دیگر هیچ پشتوانه و یابوری نخواهند داشت».

مفاد این حدیث شریف بیشتر بر نظارت و پایش حکومت و دستگاه سیاسی توجه دارد، همواره در ادبیات سیاسی اسلام، از پذیرش سلطه جابران و ستم کاران و نا اهلان، منع شده است یکی از کارکرد های مهم فریضه امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح اجتماعی بویژه سیاستمداران است.

غفلت از نظارت و پایش اجتماعی و سیاسی، تن دادن به سلطه پلیدان

«لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَوَلَّى عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ» (نهج البلاغه صبحی صالح / ۴۲۱) «امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید، تا افراد شرور و پلید بر شما حکومت نکند، در این صورت دعای تان به اجابت نخواهد رسید»

مهجور شدن فریضه حیاتی نظارت اجتماعی توسط افراد مسلمان، با پیامد های بسیار بدی همراه است، نخستین پیامد ناگوار آن تبدیل شدن فضای فرهنگ اجتماعی، از یک فضای معنوی و ایمانی، به فضای تبهکارانه و گناه آلود است، به استناد حدیثی که از پیامبر(ص) ذکر شد، در چنین جامعه، فاصله فرهنگی و روانی میان افراد، به قدری است، که تعاون و همیاری وجود ندارد. رابطه میان اقشار اجتماعی، رابطه گرگ و میش است، پیامد نامیمون دیگر آن، گسستن ارتباط میان انسان و پروردگار است، خداوند براساس آیه شریفه «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (غافر: ۶۰) «پروردگار شما گفته است: «مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم! کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند به زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند!» برای درخواست نیاز و حاجت بندگان خود، تضمین اجابت داده است، اما اگر فریضه امر به معروف و نهی از منکر، مغفول ماند، درهای رحمت و اجابت الهی بسته خواهد شد. در جامعه ای که وظیفه نظارت عمومی، نادیده گرفته شود، امکان تعالی و ارتقای معنوی نیز از بین می‌رود. شاید افرادی منزوی که در جستجوی گوشه ای خلوت هستند و از مسؤولیت های اجتماعی گریزان، گمان کنند که در خلوت فراهم آمده بهتر می‌توانند با خداوند ارتباط برقرار نموده و به فیض قرب خداوند نایل آیند، اما با توجه به سخنان امام علی(ع) بدون انجام مسؤولیت نظارت اجتماعی، زمینه بهروری از فیوضات معنوی راز و نیاز دعا و نیایش، سلب می‌شود.

نظارت اجتماعی به عنوان یکی از پایه های جهاد

«وَالْجِهَادُ عَلَىٰ أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالصِّدْقِ فِي الْمَوَاطِنِ وَشَتَانِ الْفَاسِقِينَ فَمَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظَهْرَ الْمُؤْمِنِ وَمَنْ نَهَىٰ عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أَنْفَ الْمُنَافِقِ وَآمِنَ كَيْدُهُ وَمَنْ صَدَّقَ فِي الْمَوَاطِنِ قَضَىٰ الَّذِي عَلَيْهِ وَمَنْ شَتَىٰ الْفَاسِقِينَ غَضِبَ اللَّهُ وَمَنْ غَضِبَ لِلَّهِ غَضِبَ اللَّهُ لَهُ» (الكافی ج ۲ / باب صفة الإيمان.



«جهاد چهار بعد دارد امر به معروف و نهی از منکر، پایداری و مقاومت بر موضع حق، خشم و ناراحتی برای خدا، و دشمنی با تبهکاران، کسی که به کارهای نیک فرمان دهد، تکیه گاه محکم برای مومنان فراهم نموده است کسی که دیگران را از کارهای بد، بازدارد، بینی منافقان را بخاک مالیده و از نقشه و طرح شوم شان، خود را ایمن ساخته است، هر کسی که بر جبهه و موضع حقش پایداری می‌کند، حتما مورد تایید و نصرت خدا واقع می‌شود، کسی که با تبه کاران خصومت می‌ورزد، برای خدا خشمگین می‌شود، هر کسی که برای خدا خشمگین گردد، خشم خدا هم به نفع او برانگیخته می‌شود».

از مجموعه این روایات، استفاده می‌شود، که فریضه مهم و حیاتی امر به معروف و نهی از منکر، مهمترین اساس برای نظارت اجتماعی، توسط جامعه اسلامی است، نظارت اجتماعی بدون سازمان و تشکل قوی و کار آمد، اثرگذار نمی‌باشد، جامعه مدنی اسلامی، با استفاده از این اساس مدنی، می‌تواند به صورت مستقل از دولت، نظارت سازمان یافته، دقیق، با رعایت موازین اسلامی، داشته باشد، استقلال این نوع نظارت، از این جهت مهم است که دولت باید تحت این نظارت باشد، لازمه این کار، شکل گیری احزاب سیاسی، است، احزابی که جدا از رقابت های سیاسی، باید بدنبال بهبود و اصلاح مداوم رفتار سیاسی باشند، دولت به دلیل برخورداری از ابزار های نیرومند، براحتی میتواند خطاهای سیاسی و مدیریتی خود را، براساس منافع سیاسی و حفظ قدرت، توجیه نماید، حتی اگر در رأس امور افراد توانمند و لایق باشند، نظارت عمومی بر رفتار سیاسی دولت، می‌تواند نقش مهم بازدارندگی از انحراف داشته باشد.

مهمتر از اصلاح رفتار سیاسی و مدیریتی دولت، اصلاح اجتماعی، است، تشکل های مردم نهاد که براساس فریضه نظارت اجتماعی شکل می‌گیرد، می‌تواند موثرتر از یک نهاد دولتی عمل نماید، اصناف و اتحادیه های مختلف و متنوع کارگری، بازاری، تولیدی و خدماتی، درعین اینکه بر استیفای منافع عادلانه خود، اقدام می‌کند،



می‌توانند بر اجرای صحیح مقررات و رعایت استانداردهای مناسب، و طراحی راهکارهای تولید کالا و ارائه خدمات بهتر، از اجحاف به مردم جلوگیری نمایند، به عنوان مثال اگر اتحادیه و تشکل‌های اصناف بازار، قیمت و سود عادلانه برای تولید کالا و ارائه خدمات در نظر بگیرند، و مقرر نمایند که هیچ کالا و خدماتی را بدون فاکتور درج قیمت به مشتری ارائه ندهند، از سوی دیگر به مشتریان نیز اطلاعات کافی از نحوه استاندارد خدمات و کالا و میزان قیمت‌ها ارائه نمایند، اجحاف و فریب مردم به میزانی بسیار زیادی کاهش پیدا خواهد کرد. ناظران اتحادیه‌ها هر ماه، فاکتور قیمت کالا و خدمات را بررسی و متخلفین را براساس مقررات، تنبیه نماید، با این روش، به میزان بالایی اصلاحات، بهبود و رعایت حقوق مردم، اعمال خواهد شد.

اصل عقلانی بودن مدیریت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی

بدون تردید اهمیتی که دین اسلام به خرد ورزی، داده است، در میان ادیان دیگر نظیری ندارد، اصل خرد ورزی در اسلام، متوجه رهیافت‌های عقلانی، دریافتن روشهای موثر و کارآمد در امور مختلف مدیریت زندگی است. بنابراین حوزه مهم خرد ورزی در حوزه مدیریت اجتماعی است. عقلانیت اسلامی حکم می‌کند که باید بنیادها و سازمان‌های مدنی، برخوردار از آخرین فناوری و پیچیده‌ترین روشها در حل بنیادین مشکلات اجتماعی باشد، یکی از نمادهای عقلانیت در فرهنگ مدنی بشر امروز، وجود تشکل‌های نیرومند، مستقل، مردم‌نهاد و داوطلبانه برای حل مشکلات اجتماعی است. هر جامعه‌ای که نتواند از چنین نهاد‌های مردمی برخوردار باشد، قدرت حل مسایل اجتماعی و سیاسی خود را نخواهد داشت.

«وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (یونس: ۱۰۰) «هیچ کس نمی‌تواند ایمان بیاورد، جز به فرمان خدا (و توفیق و یاری و هدایت او!) و پلیدی (کفر و گناه) را بر کسانی قرار می‌دهد که نمی‌اندیشند».



«رجس» در آیه شریفه، سزاوار کسانی هست که نمی اندیشند، خرد ورزی نه تنها در اعتقادات دینی و اندیشیدن در نظام آفرینش به هدف نیل به معرفت و حکمت خداوند، مطلوبیت دارد بلکه برای مدیریت زندگی و ایجاد زمینه های عزت و سرافرازی جامعه اسلامی، نیز مطلوب است، بنابراین می توان از این آیه شریفه، استنباط نمود که جامعه ای که برای ارتقای وضعیت زندگی و تامین نیازهای زندگی عزت مندانه، راهکارهای موثر نیاندیشد حتی اگر در ظاهر مسلمان باشند، نیز گرفتار «رجس» هستند. اگرچه در این آیه شریفه مصداق بارز «رجس» بی ایمانی است اما عدم ایمان ناشی از عدم تعقل است به تعبیر مولف المیزان، «خدای سبحان اذن تشریف به ایمان را مخصوص انسانی قرار می دهد که پذیرای حق باشد. و اما انسانی که معاند حق است و در برابر حق لجاجت می کند خدای تعالی پلیدی و ضلالت را نصیب او می کند، چون خود او با اختیار سوء خود اسباب پلیدی و ضلالت را که همان عناد و لجاجت است انتخاب کرده است خداخواسته تا استعداد دریافت اذن را از آنهایی که تعقل ندارند سلب کند و امکان رسیدن به اذن خدا را مختص غیر این طایفه بسازد.» (المیزان، ج ۱۰، ص: ۱۸۸)

در سوره توبه، خداوند بادیه نشینان را به کفر و نفاق شدید توصیف نموده است، علت کفر و نفاق شدید آنان، همان زندگی سخت و دشواری است که زمینه ای تربیت و آموزش ادب انسانی را از آنان سلب نموده است! «علت این توصیف قرآن، دوری آنان از تمدن و محرومیت شان از برکات انسانیت از قبیل علم و ادب است، از این جهت سنگدل تر از سایر طبقات هستند، به همین جهت از هر طبقه دیگری به نفهمیدن و ندانستن حدودی که خدا نازل کرده و معارف اصلی و احکام فرعی از قبیل واجبات و مستحبات و حلال و حرامها سزاوارترند.» (طباطبایی، سید محمد حسین، ج ۹، ص: ۵۰۲). «الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَ نِفَاقًا وَ أَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (التوبه: ۹۷) «بادیه نشینان عرب، کفر و نفاقشان



شدیدتر است و به ناآگاهی از حدود و احکامی که خدا بر پیامبرش نازل کرده، سزاوار ترند و خداوند دانا و حکیم است»

از نظر اسلام حد اقل ایمان ورزی، با حد اقل برخورداری از تمدن ملازم است. بنابراین جوامع اسلامی امروز در صورتی می توانند ادعای دین ورزی نمایند، که توانایی تمدن سازی براساس فرهنگ اسلامی را داشته باشند، تمدن اسلامی بدون، بنیادهای اساسی تمدن آفرین، امکان تحقق ندارد، به نظر نگارنده، یکی از بنیاد های تمدن اسلامی تشکل های مدنی است.

اصل مشورت

در اسلام، «شوری» به عنوان یک اصل اجتناب ناپذیر در حیات سیاسی و اجتماعی مردم، مطرح شده است. سخن در این است که این اصل مهم و مترقی حتی برای پیامبر اسلام(ص) یک وظیفه در نظر گرفته شده است، در حالیکه عصمت پیامبرانه، او را، از بهره گیری فکر و اندیشه دیگران بی نیاز می ساخت، اما با این وضع خداوند او را به مشورت با مردم موظف نمود. راز این توظیف، توجه به شخصیت افراد جامعه اسلامی است، اسلام می خواهد تک تک افراد جوامع اسلامی احساس شخصیت و درک مسؤولیت نمایند، تا هر فرد مسلمان ضمن درک حق اظهارنظر درباره مسایل اجتماعی و سیاسی، حس مسؤولیت پذیری برای مشارکت در امور مختلف اجتماعی، نمایند.

اصل مشاوره به مفهوم عام خود، به صورت رسمی، در اسلام به عنوان یک مسؤولیت دینی، بکاربرده شده است، از این جهت مشاوره یک اصل قرآنی در فرهنگ مسلمانان است. هدف مشاوره در اسلام، احترام به شخصیت افراد، مشارکت پذیری در مسایل گوناگون اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و...، رشد جریان نظرتفکر، ایجاد اعتماد میان افراد جامعه، تقویت تصمیم گیری و پویاسازی فرهنگ اجتماعی است.



ازسوی دیگر، تضارب آرا و تبادل افکار، صرفاً یک امر ساده و عوامانه نیست، بلکه در اسلام مشوره امری است عقلانی، هدفمند، دارای ملاک و ساخت مناسب و پویا برای یافتن بهترین راه حل، در جهت مبارزه با مشکلات فردی و اجتماعی.

«فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ، أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۸) «پس به بندگان من که به سخنان گوش فرامی دهند، اما بهترین آنها را به کار می‌گیرند، مژده بده، آنها کسانی‌اند که خداوند هدایت شان کرده و آنها صاحبان خرد هستند».

از این آیه و سایر آیات استفاده می‌شود، که راه صحیح تدبیر و مشورت کردن در استفاده از اهل دانش، افراد خبره و روشن، اهل ایمان و خرد است؛ خدای تعالی به طرق مختلف و اسلوب‌های متنوع به ابن حقیقت اشاره نموده، از آن جمله فرموده: «أَفَمَنْ كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا» (انعام: ۱۲۲) «آیا کسی که مرده دل بود پس او را زنده گردانیدیم و برایش نوری پدید آوردیم تا در میان مردم راه برود، مانند کسی است که در میان تاریکیها قرار دارد، راهی بسوی روشنی ندارد؟»

«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۹) «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی نمی‌دانند، برابرند؟»

«يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله: ۱۱) «خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که به آنان علم بخشیده‌اند، رتبه بسیار بالایی بخشد».

سیدمحمد حسین طباطبایی در این باره گفته است: «هیچ تردیدی نداریم در اینکه حیات انسانی، حیاتی است فکری، نه چون حیوانات غریزی و طبیعی. زندگی بشر سامان نمی‌گیرد مگر به وسیله ادراک که ما آن را فکر می‌نامیم و از لوازم فکری بودن زندگی بشر یکی این است که هر قدر فکر صحیح‌تر و کامل‌تر باشد قهراً زندگی انسانی استوارتر خواهد بود، پس زندگی استوار در هر سنتی که باشد و در

هر طریقی که افتاده باشد طریقی سابقه‌دار، یا بی سابقه، ارتباط کامل با فکر استوار دارد و زندگی استوار مبتنی و مشروط به داشتن فکر استوار است، حال هر قدر استواری فکری بیشتر باشد استواری زندگی بیشتر و هر قدر آن کمتر باشد این نیز کمتر خواهد بود» (طباطبایی، سیدمحمد حسین، ۱۳۷۴: ج ۵: ۴۱۴)

از نظر قرآن سخن و اندیشه درست و محکم مایه اصلاح رفتار و مغفرت گناهان است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا * يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» (احزاب: ۷۰-۷۱).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا بترسید و سخن درست بگویید. خدا کارهای شما را به صلاح آورد و گناهانتان را بیامرزد. و هر که از خدا و پیامبرش اطاعت کند به کامیابی بزرگی دست یافته است».

در این دو آیه از ارتباط وثیق میان ایمان، تقوی، اندیشه درست و استوار، و اصلاح رفتار و پیروزی و کامیابی بزرگ، سخن گفته شده است. بنا بر این «مشورت اسلامی» وقتی به موفقیت و کامیابی نایل می شود که مجموعه و سازمان های مختلف، افزون بر برنامه ریزی جامع در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، برخوردار از ایمان و تقوی باشند.

جامعه دارای فکر و اندیشه استوار است، که از سازمان ها، موسسه ها، احزاب سیاسی و تشکلهای نیرومند مردمی برخوردار باشند. مشورت درسبک امروزی، تنها ارایه تک پیشنهاد دریک مسئله خاص سیاسی و اجتماعی نیست، بلکه مشورت، امروز شکل پیچیده، فنی و تخصصی دارد، امروز، به ایده های بها داده می شود، که در قالب برنامه جامع و سنجیده، دراز مدت، همراه با راهکارهای موثر و پیشبینی آثار و پیامد های روشن و شفاف، طراحی شده باشد. بنابراین آماده سازی برنامه کارجمعی و گروهی است نه کار فردی، ثانیاً، برنامه ریزی، نیازمند تیم های تخصصی، است. بنابراین نمی توان اصل مشورت اسلامی را در قالبهای سنتی چون لویه جرگه و یا گرد هم آیی های چند موی سفید از اقوام مختلف، متبلور ساخت. با



توجه به آیات ۲۲ انعام، زمر ۹ و احزاب ۷۰-۷۱، اصل شوری، جدا از نهاد های مربوط به دولت و حاکمیت، ساختار سنجیده، تخصصی، ایمان بالا و حس مسؤولیت عالی می طلبد، که خروجی آن باید در قالب طرح و برنامه منسجم، هدفمند، همراه با راهکارهای عقلانی، و میکانیزم صحیح ارزیابی و درست آزمایی، ارایه شود. از این روی اصل شوری، در اسلام یک اصل پویا، آینده نگر، عقلانی، سنجیده مدلل و هدفدار است. این اصل را نمی توان در قالب تنگ و محدود گروه مشاوران رییس جمهور و یا وزرا، فرو کاست، بلکه باید جامعه اسلامی مستقل از دولت، در چارچوب احزاب سیاسی و تشکل های مدنی، این اصل مترقی اسلامی را، خردمندانه متبلور نماید.

اصل تعظیم شعائر اسلامی

«ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (الحج: ۳۲)؛ « این است (مناسک حج!) و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست». شعائر الهی چیست آیا رعایت واجبات و اجتناب از محرمات، تعظیم شعائر است؟ «شعائر الله» به معنی «نشانه های پروردگار» است که شامل سر فصلهای آئین الهی و برنامه های کلی و آنچه در نخستین برخورد با این آیین چشمگیر است و از جمله مناسک حج می باشد که انسان را به یاد خدا می اندازد.

کوتاه سخن این که تمام آنچه در برنامه های دینی وارد شده و انسان را به یاد خدا و عظمت آئین او می اندازد شعائر الهی است و بزرگداشت آن نشانه تقوای دلهاست.» (بابایی، احمد علی، ۱۳۸۲: ج ۳، ص: ۲۱۴)

تعظیم شعائر خدا نشانه تقوی است

در این آیه سخن از تعظیم شعائر خداوند است، شعائری که بیانگر نشانه های روشن در سر راه درازی است که خدا آن را برای مسیر زندگی انسان ترسیم نموده است، خدا در این تابلوها، عبادت، تعاملات، ارتباطات و پیشرفت را تعیین نموده است، خداوند برای هر موقعیت زندگی انسان، نشانه و راهنمای قرارداده



است، تا او را به سوی مصالح و منافع واقعی هدایت و از ضررها و خطر هایش بازدارد، التزام به مصالح و دوری از مفاسد، نشانه طاعت خداوند است، عبادت در اسلام منحصر در شک رفتار خاص بدنی نیست، بلکه به وضعیت درونی و باطنی انسان نیز امتداد دارد، اندیشیدن، احساس خشوع در قلب و درک ذهنی و آمادگی روحی برای احساس حضور خداوند در درون جان انسان همراه با حرکت بدن که جان و جسم همراه و هماهنگ با نشانه های الهی، تعظیم نماید، بیانگر تقوی درونی است. (فضل الله، سید محمد حسین، ج ۱۶، ص: ۶۶)

هدفهای شعائر خدا

التزام و احترام به حرمت‌های خدا بخشی از تقوا و پرهیزگاری است، اما بخش کاملتر از آن همان بزرگداشت شعائر خدا، یعنی بزرگداشت هر چیزی که ما رابه خدا رهنمون شود. بزرگداشت تگه پارچه‌ای که بر کنار میله‌ای افراشته شده بزرگداشت خود آن پارچه نیست، بلکه بزرگداشت میهنی است که این درفش نشانه و رمز آن است. همچنین بزرگداشت مسجد و عالم و قرآن در واقع همانا بزرگداشت خداست. پس خدای سبحان حق و حقیقت اصل است و دیگر حرمت نهادها و شعائر وسیله‌هایی به سوی او هستند، و هر چیز یا شخص محترم مقرب‌ی به خاطر خدا تقدیر و ستوده می‌شود نه به خاطر شخص و عین خود.

شعائر الهی، ترویج و گسترش واجبات، فرایض و مناسک دینی

حج یکی از شعائر مهم و کلیدی مناسک دینی است، حج از این جهت شعائر الهی نام گرفته است، که انسان در این عبادت، جز سرسپاری به اطاعت الهی چیز دیگری مدنظر ندارد، هر عبادت و دستور شرعی که خالص برای خداوند باشد و از طریق آن انسان به یاد خدا بیافتد، شعائر الهی است. انجام صحیح مناسک حج در شرایط امروزی گذشته از اقدام هرفرد برای انجام این فریضه الهی، نیازمند سازمان و تشکیلات است تا بتواند با مدیریت درست زمینه مناسب برای انجام این فریضه الهی را فراهم آورد، امروزه در همه کشورهای اسلامی، تشکیلات و سازمان دولتی، برای



فراهم سازی مدیریت مناسک حج وجود دارد، اما آنچه که مورد نظر این نوشته است، تعظیم شعائر الهی، مبنای قوی و اصل اساسی برای تشکلهای مدنی ازسوی افراد جامعه اسلامی است، سازمانهای مذهبی که هدف آن گسترش و ترویج شعائر الهی، مانند حج و سایر فرایض دینی است، به عنوان مثال، سازمان و مؤسسه های مردم نهادی که به هدف ترویج و گسترش ارزشهای دینی در جامعه فعالیت می کنند، برخاسته از این اصل مهم و ارزشمند قرآنی است. نهضت مسجد سازی و نهضت ساختن مدرسه های علوم دینی، باز سازی و مرمت اماکن مذهبی، گسترش فضای مطالعات دینی مانند کتابخانه سازی و راه اندازی انتشارات و مطبوعات دینی، برگرفته از این اصل مدنیت اسلامی است، گستره تعظیم شعائر الهی، منحصر به واجبات و فرایض دینی نیست، بلکه تمام اموری که در شرع چه به صورت خاص مطلوبیت آنها مطرح شده است، چه اینکه مطلوبیت آنها از طریق وجود ملاک های مطلوبیت شرعی قابل استنباط است نیز، مشمول این اصل قرآنی است.

بنابراین بزرگداشت تمام شعائر دینی اعم از واجبات و مستحبات، می تواند مصداق تعظیم شعائر اسلامی باشد، بخشی از این شعائر به تعظیم و تکریم شخصیت های بزرگ دینی چون پیامبران، و یاران با وفا، فداکار و اهل بیت پیامبر اسلام است، بزرگداشت میلاد و ایام شهادت و رحالت این بزرگواران، بخشی مهمی از شعائر اسلامی است. اگر جامعه اسلامی بخواهد بصورت شایسته از این بزرگواران، تجلیل و تکریم نماید که در واقع تعظیم نشانه های ایمان و تقوای الهی است، باید در قالب تشکل های دینی و هیات های مذهبی، اقدام نماید. در جامعه شیعی، وجود هیات های مذهبی در شهر ها و روستاها، که به صورت داوطلبانه و خود جوش، تشکیل شده اند، دستاوردهای زیاد فرهنگی و معنوی داشته است، در این نوع مراسم زمینه های ارزشمند و فرصت های طلایی برای ارایه اطلاعات و آموزه های دینی است. افراد شرکت کننده در هیات های مذهبی، زمینه مساعد روحی برای استقبال از پیام های دینی دارند، افزون بر آن نوعی تمرین کار گروهی، در این تشکل ها انجام می شود،



از این جهت در سطح بسیار بالایی جامعه پذیری، و درونی سازی هنجارهای اجتماعی را در بر دارد. افزون بر آن سطح آگاهی اجتماعی و سیاسی افراد ارتقا پیدا می کند، زیرا واعظان و خطیبان مذهبی معمولاً افراد باسواد، با مهارت و آگاه از مسایل اجتماعی هستند، سخنرانی های آنان در عین اینکه سطح معرفت مذهبی و دینی افراد را افزایش می دهد، سطح اطلاعات و توان تحلیل مسایل تاریخی و سیاسی افراد را نیز بالا می برد. کارکرد مهم دیگر تشکل ها و هیات های مذهبی، پرورش روحیه انفاق و سخاوت است.

پاکیزه سازی محیط و مهیا کردن شرایط انجام واجبات دینی

مسئولیت بزرگ مدنی و دینی تشکلهای و هیات های مذهبی بویژه روحانیون فرهنگ سازی و نهادینه کردن پاکیزگی و تمیزی اماکن مذهبی چون مساجد، نمازخانه ها، و الزام دولت به ساخت سرویسهای بهداشتی در شهرها و مسیر راه های ارتباطی و مواصلاتی است. فراهم سازی شرایط مناسب برای انجام فرایض دینی، از وظایف مهم و حیاتی و حیثیتی بلکه مربوط به شرافت انسانی است، متأسفانه این وظیفه اساسی به علت گرفتاری کشور به فرهنگ بدویت، مورد غفلت علمای دینی واقع شده است، باید امروز علما دینی از طریق تشکلهای دینی و هیات های مذهبی، به رفع این نقیصه، به هدف احیای شرافت انسانی مردم ما وارد عمل شوند و در این مسیر می توانند از وجوهات شرعی چون زکات و صدقات و سود موقوفات استفاده نمایند.

به نظرمی رسد که بخشی از فعالیت های مربوط به تعظیم شعائر الهی، زمینه سازی و مهیا بودن شرایط انجام واجبات دینی است، تنها وجود مساجد و اماکن مذهبی، کارساز نیست، بلکه باید فراهم سازی شرایط بهداشتی و تمیزی این اماکن مقدس، از اهمیت بالایی برخوردار است. امروز در کشور ما نیاز به این نوع فعالیت ها، حتی از ساختن شفاخانه ضروری تر است. میدانیم که پاکی و تمیزی مورد تاکید فراوان اسلام است. اما در کشور ما به علت حاکمیت فرهنگ بدوی قبیله ای، بهداشت و



تمیزی اماکن عمومی، بسیار شرم آور است. درمسیر کابل تا هرات برغم وجود رستوران های غذاخوری، از سرویسهای بهداشتی برای رفع ضرورت، هیچ خبری نیست. مردم، چاره ندارند که بگونه بسیار زشت و زنده دراطراف معابر، و دربرابر انظار همدیگر، مبادرت به قضای حاجت کنند، شرم آور تر اینکه در انظار مسافران زن، این رفتار قبیح و ننگین به عنوان امر ناگزیر انجام می شود، زنان دراین نوع مسافرت ها، هیچ راهی برای رفع ضرورت ندارند، چون حیای شان مانع می شوند، که بدون وجود مکان مناسب، به رفع ضرورت خود بپردازند. این وضعیت با شرایط انسانی نمی سازد، آیا با این وضع می توان به انجام فریضه نماز پرداخت؟ آیا با بدن و لباس نجس می توان اقامه نماز نمود؟ شاید درمیان کشورهای دیگر تنها کشورما با این وضعیت وحشتناک و شرم آورمواجه باشد، فرهنگ مدنیت اسلامی، برپاکی و تمیزی استوار است، اما در فرهنگ بدوی و بیابانی، هیچ گاه مدنیت اسلامی، محقق نمی شود، بنابراین ضروری است سازمان های دینی و مردمی با درک این مسؤولیت دینی، درصورت امکان، خود به ساخت سرویسهای بهداشتی با رعایت استانداردهای لازم دراماکن عمومی و درمسیر پرتردد مسافران، اقدام نمایند، یا اینکه از طریق فشار بر دولت، رستورانهای مسیر های مختلف را موظف به ساخت سرویسهای رفع حاجت، نمایند بگونه ای که تعداد زیادی از این سرویسها به صورت مجزا برای زنان و مردان ساخته شوند. هم چنین درکنار رستورانها مکانی را برای نماز خانه احداث نمایند، تا زمینه انجام فرایض دینی فراهم شود: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (الحج: ۴۱): «همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند، و زکات می دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان همه کارها از آن خداست»

به نظر مولف تفسیر المیزان، این آیه به توصیف جمعی و نوعی مؤمنین پرداخته است نه توصیف فردی آنان، مومنان به اقتضای ایمان خود، هرگاه قدرت و تمکنی



بدست آورند، با استفاده از آزادی و اختیار خود، «زندگی صالح را اختیار می‌کنند و جامعه‌ای صالح به وجود می‌آورند که در آن جامعه نماز به پا داشته، و زکات داده می‌شود، امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌گیرد....

مراد از " مؤمنین " عموم مؤمنین آن روز، بلکه عامه مسلمین تا روز قیامت است، و این خصیصه و طبع هر مسلمانی است هر چند که قرن‌ها بعد به وجود آید. پس طبع مسلمان از آن جهت که مسلمان است صلاح و سداد است هر چند که احیاناً بر خلاف طبعش کاری بر خلاف صلاح انجام دهد» (طباطبایی، سید محمد حسین، ج ۱، ص: ۵۴۷)

بنابراین نشانه جامعه ایمانی، زندگی صالح و برگزاری نماز، پرداخت زکات، امر به معروف و نهی از منکر است. لازمه اقامه نماز توجه به پاکیزگی محیط، برخورداری از شرایط مناسب بهداشت، در رعایت طهارت و نظافت مورد نظر اسلام است. اگر این کار در جامعه ما عملی شود، نیازمند تشکلهای دینی است که افزون بر آماده سازی رفاه لازم برای نماز گذار هم چون ساخت مکان های پاکیزه و بهداشتی برای رفع ضرورت و گرفتن وضو، فرهنگ اهتمام به تمیزی و نظافت را، جایگزین فرهنگ بدوی و آلوده سازی محیط، نمایند.

نتیجه گیری

بدون تردید جامعه مدنی غربی، با فرهنگ الحادی سازگارتر است تا با فرهنگ اسلامی، زیرا انسان در جامعه مدنی غربی، به عنوان مخلوق و بنده خدا تعریف نشده است، از این روی نمی توانیم جامعه مدنی غربی را، برای اصلاح و بهبود زندگی اجتماعی خود مان تجویز نماییم اما از سوی دیگر برخی از توصیه و آموزه های در جامعه مدنی غربی وجود دارد که می تواند برای ما به عنوان انسان خردمند، قابل استفاده و باز آفرینی باشد، از سوی دیگر دین پویا و حیات بخش اسلام برای پویایی و ارتقای جامعه اسلامی نیز راهکارها و اصولی را تعبیه کرده است، که با



عقلانیت اسلامی می توانیم، برپایه این اصول و بنیادهای قرآنی، جامعہ مدنی اسلامی را طراحی و مهندسی نماییم.

اصل تعاون و همکاری در امور نیک، اصل اصلاح و بهبود شرایط اجتماعی، اصل جلوگیری از انحراف زمامداران، اصل اهتمام به سرنوشت و مشکلات مسلمین، اصل نظارت و کنترل اجتماعی، اصل شوری و اصل تعظیم شعائر دینی، ارزشهای قانونی و مرکزی جامعہ مدنی اسلامی است. در شرایط پیچیده امروزی، در صورت مسئولیت ها و کارکرد های اصول فوق قابل تحقق است، که تشکلهای مدنی، صنفی، تخصصی، مذهبی، احزاب نیرومند سیاسی و... بوجود آیند. این سازمان ها می توانند در بهبود شرایط زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مردم مستقل از اقدامات دولت، موثر عمل نمایند. اما لازمه قدرت مند بودن این تشکلهای حکومت مردمی، و دموکراتیک است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. الجنحانی، الحبيب و عبدالفتاح اسماعیل، سیف الدین، المجتمع المدنی و ابعاده الفکریه، دارالفکر: بیروت- دمشق، ۲۰۰۳م ۱۴۲۴ق.
۴. الغیلانی، محمد، المجتمع المدنی، حججه، مفارقاته و مصائره، دارالهادی للطباعه و النشر و التوزیع بیروت لبنان: چاپ اول ۱۴۲۴ق- ۲۰۰۴م.
۵. اممن، تی. کی، جنبشهای اجتماعی جدید، (جامعه شناسی سیاسی هند) مترجم احمد احمد لو. انتشارات گلبن، اصفهان: ۱۳۸۶ چاپ اول.
۶. بابایی احمد علی، برگزیده تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۸۲ ش چاپ: سیزدهم.
۷. بشاره، عزمی، المجتمع المدنی در اسه النقدیه، بیروت: مرکز دراسات الوحده العربیه، ۲۰۰۰م
۸. بورسفوردر فاستر، مایکل، خدواندان اندیشه سیاسی، ج ۱ ترجمه جواد شیخ الاسلامی، انتشارات علمی فرهنگی، تهران: ۱۳۸۳ چاپ اول.
۹. تونکیس، فران، اعتماد و سرمایه اجتماعی، ترجمه محمد تقی دلفروز، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت تحقیقات و فناوری، تهران: ۱۳۸۷ چاپ اول.
۱۰. جمعی از نویسندگان، جامعه مدنی، نظریه، تاریخ، و مقایسه. ناظر مجموعه و ویراستار جان ا. هال، مترجم: افشین خاکباز، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
۱۱. خسرو پناه، عبدالحسین، جامعه مدنی و حاکمیت دینی، انتشارات وثوق ۱۳۸۰ چاپ دوم.
۱۲. شعیری، محمد بن محمد جامع الأخبار (لشعیری) ناشر: مطبعه حیدریه نجف: بی تا.
۱۳. فضل الله سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، دار الملائک للطباعه و النشر بیروت: ۱۴۱۹ ق چاپ: دوم.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان ج ۵، ترجمه سید محمد باقر همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۱۵. عبد الغفار الشکر و محمد مورو، المجتمع الاهلی و دوره فی بناء الديمقراطية، دمشق - بیروت: دارالفکر ۲۰۰۳م- ۱۴۲۴ه.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، حکومت قانون، و جامعه مدنی، مرکز مطالعات حقوق بشر سازمان ملل متحد برنامه عمران ملل متحد- دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۸۵ چاپ اول.



۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق الکافی مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، جلد: ۸ ناشر: دار الکتب الإسلامیه تهران: ۱۴۰۷ ق.
۱۸. مترجمان، تفسیر هدایت، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: ۱۳۷۷ش
۱۹. مولانا، حمید، جامعه مدنی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران: ۱۳۸۲ چاپ اول.
۲۰. واعظی، احمد، جامعه مدنی جامعه دینی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران: ۱۳۸۰.
۲۱. یاسوشی، واتانا و مک کانل، دیوید، دیپلماسی عمومی جامعه مدنی و قدرت نرم مطالعه موردی، آیالت متحده و ژاپن، ترجمه سید محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق(علیه السلام) ۱۳۸۹.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ۴ جلد، مصحح: حسینی، خسروی غلامرضا ناشر مرتضوی - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۴ش.
۲۳. طوسی، محمد بن الحسن تهذیب الأحکام، ج ۶ تصحیح خراسان، حسن الموسوی تهران: دار الکتب الإسلامیه ۱۴۰۷ ق
۲۴. بیات، عبد الرسول، فرهنگ واژه ها، موسسه اندیشه و فرهنگ دینی، قم: ۱۳۸۱ چاپ اول.
۲۵. عروسی، سهیل، المجتمع المدنی و الدوله، دمشق: دارالفکر، ۲۰۰۷م ۱۴۲۹ ق.